

عوامل مرتبط با اعتماد به عدم خیانت همسر مورد مطالعه: مردان و زنان متأهل شهر اصفهان

حلیمه عنایت، دانشیار، بخش جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز، ایران*

بهجت حاجیان، دانشجوی کارشناسی ارشد، جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز، ایران

چکیده

هدف پژوهش حاضر، شناسایی عوامل مرتبط با میزان اعتماد به عدم خیانت همسر در میان خانواده‌های شهر اصفهان است. چارچوب نظری پژوهش برگرفته از نظریه گیدنز است. متغیرهای مستقل مورد بررسی عبارتند از زیبایی همسر، مدت ازدواج، شیوه آشنایی، تفاوت سنی زوج و میزان رضایت زناشویی. به این منظور نمونه‌ای با حجم ۴۰۰ زن و مرد متأهل در شهر اصفهان که حداقل یک سال از ازدواج آن‌ها گذشته بود، با استفاده از روش تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند. اطلاعات مورد نیاز با تکنیک پیمایش و ابزار پرسشنامه جمع‌آوری گردید. نتایج پژوهش نشان داد که متغیرهای زیبایی همسر و رضایت زناشویی دارای رابطه معنادار و مثبت با متغیر وابسته هستند. در نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون گام به گام نیز ابتدا "رضایت زناشویی" و سپس "همسر زیبا"، ۴۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین نموده‌اند. **کلیدواژه‌ها:** اعتماد، خیانت، رضایت زناشویی، زیبایی همسر، اصفهان

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه و بیان مسأله

نهاد خانواده در واقع، کوچک‌ترین ولی از بنیادی‌ترین پایه‌های جامعه محسوب می‌شود که در حفظ سلامت روحی افراد جامعه کارکرد بزرگی را ایفا می‌کند. از جمله اهداف اصلی ازدواج، رسیدن به سکون و آرامش است و هنگامی که زن و مرد نسبت به یکدیگر اعتماد داشته باشند، این سکون و آرامش بیشتر و پایدارتر خواهد بود. خانواده به عنوان یکی از نهادهای اجتماعی مهم در جامعه اساساً کانون کمک، تسکین، التیام و شفابخشی است. کانونی است که باید فشارهای روانی وارد شده بر اعضای خود را تخفیف دهد و راه رشد و شکوفایی آن‌ها را هموار کند. اگر خانواده محیط سالم و سازنده‌ای برای اعضای خود باشد و نیازهای جسمانی و روانی آن‌ها را برآورده کند، کمتر ممکن است به نهادهای درمانی خارج از خانواده احتیاج پیدا کنند (ثنایی، ۱۳۷۵؛ به نقل از نیکویی و صیف، ۱۳۸۴: ۶۲).

از دیدگاه براون^۱ (۲۰۰۱)، اعتماد یکی از مطلوب‌ترین کیفیت‌ها در هر رابطه نزدیک و صمیمی است و اغلب در کنار تعهد و عشق به عنوان هسته مرکزی یک رابطه ایده‌آل در نظر گرفته می‌شود (زارعی و همکاران، ۱۳۹۰: ۵۳). در واقع یکی از اصول اولیه زندگی اجتماعی، داشتن اعتماد به یکدیگر است و اگر افراد در جامعه نسبت به یکدیگر اعتماد و اطمینان نداشته باشند، تداوم زندگی در چنین جامعه‌ای دشوار خواهد بود (باستانی و دیگران، ۱۳۸۶: ۴۲).

نهاد خانواده را می‌توان اولین نهادی دانست که فرآیند شکل‌گیری شخصیت و جامعه‌پذیری افراد به عنوان اعضای جامعه در آن صورت می‌پذیرد بنابراین بسیار روشن است که ایجاد حس اعتماد اولیه در افراد، در دوران کودکی و در فضای خانواده شکل می‌پذیرد و طی رشد کودک و تربیت و جامعه‌پذیری وی، این احساس، رشد و گسترش بیشتری خواهد یافت. لذا وجود اعتماد درون خانواده و بین دو رکن اصلی آن یعنی زن و شوهر، زمینه‌ساز گسترش این حس در

فرزندان و در جامعه به صورت گسترده‌تر است. اعتماد میان زوج‌ها، نه تنها بر حفظ و بقای خانواده، آرامش زن و مرد و فرزندان آن‌ها، بلکه بر کل جامعه نیز تأثیرگذار است. ازدواج تنها شکل پیوند مورد تأیید جامعه برای حفظ وحدت خانواده، برای دادن تعیین و تشخیص قابل طبقه‌بندی به افراد اجتماع و برای تضمین اداره و اشتغال اموال آنان است (دانیو، ۱۳۸۳: ۹۴). انگیزه انسان برای ازدواج، ضمن رفع تنهایی و نیاز به استقلال، برآورده شدن نیازهای عاطفی، جنسی و بقای نسل است. همچنین دوام ازدواج مستلزم عشق و احساسات مثبت زوجین نسبت به یکدیگر است (حیدری و همکاران، ۱۳۸۴: ۱۲۲). جامعه با رسمیت بخشیدن به شکل و ماهیت ازدواج، دیدگاه روشنی را درباره جنس و تمایلات جنسی ابراز می‌کند (برناردز، ۱۳۸۸: ۴۲) و جامعه‌ای که به طور قانونی زندگی عشقی و جنسی اعضایش را انتظام نبخشد، در راه ناپودی قدم برمی‌دارد.

از دیدگاه گیدنز^۲، در دوران مدرنیته، ما شاهد "تحول رابطه نزدیک" هستیم و با از بین رفتن حمایت‌های خارجی سنتی مجبوریم که در خصوص روابط نزدیک و صمیمی خود بر مبنای اعتماد به مذاکره بپردازیم. آنچه که اکنون مورد تقاضا واقع شده عبارت است از اخلاقی کردن مجدد زندگی اجتماعی در جامعه مدرن براساس ارزش محوری اعتماد (تونکس^۳، ۱۳۸۷: ۱۵۰-۱۴۸). اعتماد را می‌توان به عنوان باور یک نفر در تعریف صداقت شخص دیگر دانست (گیورتز^۴، ۲۰۰۲: ۴۳) که به عنوان عامل تعیین‌کننده مهمی برای صمیمیت است و به شدت با عشق و خود افشایی همراه است و با تعهد افزایش می‌یابد. اعتماد نقش مهمی در توسعه رابطه دارد که در آن افراد را قادر می‌سازد که کمتر حسابگرانه باشند و به جای آن، بر نتایج دراز مدت تمرکز کنند. همچنین موجب توسعه پیش‌بینی‌پذیری می‌شود که کارکردی از سازگاری با رفتار شریک است (گیورتز، ۲۰۰۲: ۴۴).

² Giddens

³ Tonkiss

⁴ Givertz

¹ Brown

هدف اصلی در پژوهش حاضر، شناسایی عوامل مرتبط با اعتماد به عدم خیانت همسر است. اهداف جزئی پژوهش نیز عبارتند از:

شناسایی عوامل اجتماعی مرتبط با اعتماد به عدم خیانت همسر

شناسایی عوامل فرهنگی مرتبط با اعتماد به عدم خیانت همسر

شناسایی عامل روان‌شناختی مرتبط با اعتماد به عدم خیانت همسر

مروری بر آثار دیگران

آزاد ارمکی و کمالی (۱۳۸۳) در پژوهشی بین ۸۲۰۶ نفر در سطح شهرهای ۲۸ استان، به این نتیجه دست یافتند که میزان اعتماد به همسر (خانواده) در سطح بسیار بالا، اعتماد به خویشاوندان و دوستان و آشنایان (دیگران نزدیک) در سطح بالا و اعتماد به همسایگان، هم محله‌ای‌ها، هم‌ایل و طایفه‌ای‌ها و هم‌شهری‌ها (دیگران دور) در سطح بسیار پایین است. همچنین در مراتب بالای اعتماد (زیاد و خیلی زیاد) در مورد تمام انواع اعتماد، سهم مردان (۳۵٪) اندکی بیش‌تر از سهم زنان (۳۳٪) است. نتایج پژوهش سفیری و میرزا محمدی (۱۳۸۵) در بین ۲۸۰ زن در سه منطقه شهر تهران، نشان داد که میزان اعتماد به همسر بیش‌تر از حد متوسط می‌باشد. ۵۳٪ افراد، اعتماد زیاد و ۴۶٪ افراد، اعتماد کمی به همسر خود داشتند. همچنین بین متغیرهای پیشینه خانوادگی، اعتماد بنیادین، نوع دوستان همسر، زیبایی همسر، اقتدار در خانواده، شیوه‌گزینش همسر، میزان پابندی به تعهدات و انتظارات، معاشرت‌پذیری، مجاب‌سازی، احساس تعلق، میزان دلبستگی همسر نسبت به خانواده، فداکاری، نظم و پیش‌بینی‌پذیری رفتار همسر، همه‌جانبه بودن روابط، تقسیم کار خانگی، میزان شناخت همسر و مدت زمان تعامل روزانه با میزان اعتماد به همسر، رابطه وجود دارد. پژوهش باستانی و همکاران (۱۳۸۷) در بین افراد ۱۸ سال به بالای شهر تهران، نشان داد که ۵۳٪

وجود اعتماد درون خانواده و بین دو رکن اصلی آن یعنی زن و شوهر، زمینه‌ساز گسترش این حس در فرزندان و در جامعه به صورت گسترده‌تر است. در خانواده‌هایی که بی‌اعتمادی یا عدم وفاداری یکی از زوج‌ها دیده می‌شود ممکن است در نهایت کار به جدایی و طلاق یا قتل منتهی نشود ولی خانواده آرامش خود را از دست داده و جای امن و آسایش برای زوج و برای فرزندان نخواهد بود (سفیری و میرزامحمدی، ۱۳۸۵: ۱۲۸). کاهش و نابودی اعتماد در روابط نزدیک و خصوصاً در خانواده، علاوه بر این که تداوم رابطه زوجین را دچار تزلزل می‌کند، صمیمیت را کاهش می‌دهد، نگرانی و تنش روحی ایجاد می‌کند، احساس امنیت نسبت به همسر را خدشه‌دار می‌کند، پیامدهای مخربی نیز برای فرزندان، اطرافیان و حتی جامعه دارد. از دیدگاه کوردوا، "فقدان اعتماد ممکن است با تمایل یک شخص برای شرکت در رفتار بین‌شخصی آسیب‌پذیر تداخل داشته باشد، در نتیجه فرصت را برای رویدادهای صمیمی و برای توسعه احساس امنیت صمیمی محدود می‌کند" (ویلیامز، ۲۰۱۲: ۴۷). هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند ادعای سلامت کند، چنانچه از خانواده‌هایی سالم برخوردار نباشد و هیچ یک از آسیب‌های اجتماعی نیست که فارغ از تأثیر خانواده پدید آمده باشد (ساروخانی، ۱۳۷۹: ۱۱). لذا بر اساس تحقیقات انجام شده در چند دهه اخیر مشخص شده است که درمان افراد مبتلا به بیماری روانی، جز با درمان روابط معیوب خانواده ایشان امکان‌پذیر نیست (میربها و محسنی، ۱۳۹۰: ۲۱۴).

با توجه به اهمیت اعتماد بین‌فردی به خصوص در زمینه روابط جنسی و خیانت به همسر و تأثیر بالای آن بر سلامت خانواده و در نتیجه کل جامعه، پژوهش حاضر به دنبال شناخت عوامل مرتبط با اعتماد بین زن و شوهر به عنوان دو رکن اصلی خانواده در شهر اصفهان به عنوان یکی از بزرگ‌ترین و مدرن‌ترین شهرهای کشور است.

¹ Williams

داشتند. نتایج تحقیق کرانی و راترموند^۵ (۲۰۱۱) با هدف بررسی تنظیم اتوماتیک اعتماد بین فردی به عنوان یک پاسخ انطباقی به چالش‌های ارتباط که طی سه آزمایش اجرا گردید، نشان داد که شرکت‌کنندگان در شرایط استرس ارتباط، رفتار اعتماد بالاتری در بازی اعتماد نمایش دادند، یافته‌ها همچنین نشان داد که اعتماد بین فردی، موقعیتی است و به طور خودکار با خواسته‌ها و چالش‌های رابطه هماهنگ است.

ادبیات نظری تحقیق

زیمل^۶ معتقد است که بدون وجود اعتماد در بین افراد جامعه، آن جامعه فرو می‌پاشد چرا که بسیاری از روابط میان آدمیان، بر عدم قطعیت بین آن‌ها استوار است. به باور وی، تعاملات انسانی، بیش از دلایل عقلانی و ملاحظات شخصی، از طریق اعتماد استمرار می‌یابد (منصوریان و قدرتی، ۱۳۹۰: ۱۹۰). به زبان پارسونزی^۷، می‌توان گفت که خانواده، خرده نظامی از جامعه است که از طریق آن، انسان ویژگی واقعی اعتماد را فرا می‌گیرد. ما به دلیل ارزش‌ها و هنجارهای مشترک، محدودیت‌های اعتماد را می‌دانیم اما خرده سیستمی که از طریق آن فرا می‌گیریم که چگونه و به چه کسی اعتماد کنیم، خانواده است. بنابراین هدف اعتماد، ایجاد ثبات در شرایط در حال تغییر در اجتماع جامعه‌ای است (جالاوا، ۲۰۰۳: ۱۷۸). از دیدگاه گیدنز^۸ (۱۳۸۰: ۹۹)، قابلیت اعتماد بر دو نوع است: یکی میان افرادی است که خوب همدیگر را می‌شناسند و بر مبنای آشنایی طولانی برقرار می‌شود، افرادی که صلاحیت‌های لازم را برای قبل اعتماد بودن در نظر همدیگر را به اثبات رسانده‌اند. دیگری، قابلیت اعتماد بر مبنای مکانیسم‌های ازجاکننده است. اعتماد به اشخاص به پایبندی‌های چهره‌داری نیاز دارد که طی آن، نشانه‌های صداقت دیگران (در چارچوب حوزه‌های معین کنش) جستجو می‌شود (گیدنز، ۱۳۸۰: ۱۰۵-۱۰۴). در برخوردهای چهره‌دار، حفظ اعتماد بنیادی از طریق رد

افراد، اعتمادی در حد متوسط، ۲۱۳٪، اعتماد بالا و ۲۵٪ اعتماد پایین دارند. همچنین افراد متأهل نسبت به غیرمتأهل و افراد شاغل نسبت به غیرشاغل، اعتماد بین شخصی بیش‌تری دارند، در حالی که جنسیت، سن، پایگاه اقتصادی و اجتماعی، در تعیین متغیر وابسته سهمی نداشتند. پژوهش آقاجانی (۱۳۹۰) در میان دانشجویان دانشگاه اصفهان^۹، با حجم نمونه ۳۷۲ نفر نشان داد که بین سرمایه فرهنگی افراد، اعتماد بنیادین، نوع تعامل افراد (روابط اظهاری و ابرازی)، منافع، احساس نیاز، منش و ظاهر افراد، تجربه قبلی با جنس مخالف، تجربه شکست قبلی در رابطه با جنس مخالف و همچنین درآمد خانواده با اعتماد بین شخصی رابطه وجود دارد.

در مطالعات خارجی نیز پژوهشی که دوهرتی و رایدر^۱ (۱۹۷۹)، در بین ۸۶ زوج به تازگی ازدواج کرده در کمتر از یک سال (به‌طور متوسط ۶-۴ ماه) اجرا کردند، نشان داد که شوهران با اعتماد درونی نسبت به شوهران با اعتماد بیرونی و همچنین زنان با اعتماد درونی پایین در وضعیت درگیری زناشویی، اظهارکننده‌تر بودند. اسپیرینگ^۲ و اسپیرینگ در مطالعه خود عواملی چون بررسی زمانی، بیماری و حادثه، مرگ، تغییر محل زندگی، تغییر موقعیت اجتماعی فرد، شکست شخصی، دگرگونی‌های زمانی و اعتیاد به مواد مخدر را با اعتماد به همسر مرتبط دانستند (سفیری و میرزامحمدی، ۱۳۸۵: ۱۳۷). هریس و همکاران^۴ (۲۰۰۸) در پژوهشی کیفی و با ابزار مصاحبه نیمه‌ساختارمند، با تمرکز بر نقشی که دوستی، اعتماد، و عشق در ازدواج ۲۵ زوج لاتینی (۵۰ نفر) بازی می‌کنند، دریافتند که دوستی، اعتماد و عشق به عنوان اجزای بنیادین ازدواج مستحکم لاتینی هستند. شرکت‌کنندگان در این مطالعه بر نقش استفاده از ارتباطات برای ایجاد و حفظ اعتماد و احترام در ازدواج به شدت تأکید کردند و احساس عشق را به عنوان یک نتیجه طبیعی توسعه دوستی و اعتماد در نظر

¹ Doherty & Ryder

² Assertive behavior

³ Spring & Spring

⁴ Harris et al.

⁵ Koranyi & Rothermund

⁶ Simmel

⁷ Parsons

(زتومکا، ۱۹۹۷: ۱۵). از نظر فوکویاما^۷، اعتماد وقتی حاصل می‌شود که افراد دارای هنجارهای مشترک صداقت و رفتار متقابل باشند و بنابراین بتوانند با یکدیگر همکاری کنند (تونکس، ۱۳۸۷: ۱۰۵). "خانواده"، از دیدگاه وی، یک شکل آشکار جامعه اخلاقی است که روابط اعتماد را ایجاد می‌کند (گیدنز، ۲۰۱۱).

اوفه، اعتماد اجتماعی را جزء منابع با ارزش اخلاقی و فرهنگی جامعه دانسته است و معتقد است اعتماد به شیوه غیررسمی، ایجاد هماهنگی اجتماعی را امکان‌پذیر می‌سازد (ادیبی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۰۳). اعتماد به معنای باور به عملی است که از دیگران انتظار می‌رود. این باور بر مبنای این احتمال است که گروه‌های به خصوصی از دیگران کارهای به خصوصی را انجام می‌دهند یا از انجام کارهای به خصوصی پرهیز می‌کنند، که در هر صورت بر رفاه دیگران یا بر رفاه یک جمع اثر می‌گذارد. ولی ماهیت باورها به گونه‌ای است که می‌تواند اشتباه باشد و معمولاً کسی که اعتماد می‌ورزد از این خطر آگاه است (اوفه، ۱۳۸۴: ۲۱۲). شرایطی که اعتماد را امکان‌پذیر می‌سازد به بهترین وجه در حوزه‌های نسبتاً محدود فعالیت‌ها و تعاملات اجتماعی از قبیل خانواده یا گروه‌های خویشاوندان وجود دارد که تعاملات اجتماعی آن‌ها بر مبنای معیارهای ازلی تنظیم می‌شوند (اوفه، ۱۳۸۴: ۲۲۴). کلمن^۸، چگونگی روابط میان افراد خانواده را به عنوان "سرمایه اجتماعی داخل خانه" می‌داند و سرمایه اجتماعی را منبعی بالقوه برای افراد خانواده در به دست آوردن منافعشان می‌داند. وی همچنین اشکال سرمایه اجتماعی را شامل روابط اقتدار، اعتماد و هنجارها دانسته است (کلمن، ۱۳۷۷: ۴۵۹). یکی از مواردی که اهمیت قابلیت اعتماد را به عنوان شکلی از سرمایه اجتماعی نشان می‌دهد نظام اعتماد متقابل است. مثال افراطی چنین نظامی، زوجی هستند که هر یک از آن‌ها اعتماد زیادی به دیگری دارد، خواه عاشق یکدیگر باشند، خواه نباشند. برای هر دو این رابطه ارزش روانی فوق‌العاده‌ای دارد. هر یک

و بدل کردن نگاه، حالت بدنی، ادا و عرف‌های گفتگوی متعارف تحقق می‌یابد (گیدنز، ۱۳۸۰: ۱۱۸). گیدنز با تفاوت گذاشتن بین آنچه که «اعتماد منفعل»^۱ و «اعتماد فعال»^۲ می‌نامد، گذار از جامعه سنتی به مدرن را همراه با تغییر اعتماد منفعل به فعال می‌بیند. اعتماد فعال، سیستمی است که در آن افراد به طور مداوم باید بر گرفتن اعتماد از فرد دیگر کار کنند (گیدنز، ۲۰۰۵: ۳).

اینگلهارت^۳، رضایت از زندگی، خوشبختی، اعتماد به یکدیگر و این که شخص از دگرگونی‌های بنیادین اجتماعی حمایت کند یا از جامعه کنونی خود، همه را در یک دسته فرهنگی می‌داند که ارتباط تنگاتنگی با تداوم یا فقدان نهادهای دموکراتیک برای مدتی طولانی در یک جامعه دارد (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۴۷-۴۶). پاتنام^۴ بین دو نوع "اعتماد صمیمانه" و "اعتماد اجتماعی" تفاوت قائل است. اعتماد صمیمانه (شخصی) یعنی اعتمادی که بین آشنایان نزدیک وجود دارد، اما در جوامع مدرن که روابط پیچیده‌تر و گسترده‌تر می‌شود، باید این اعتماد شخصی به اعتماد اجتماعی تبدیل گردد (انصاری و عطایی، ۱۳۹۱: ۱۲۶-۱۲۷).

از نظر جانسون^۵، اعتماد، جنبه‌ای از روابط است که به صورت مداوم در حال تغییر و تحول است (گلابی و همکاران، ۱۳۹۰: ۴۷-۴۶). وی اعتقاد دارد که در یک رابطه مبتنی بر اعتماد بین دو یا چند نفر، عناصری وجود دارند که عبارتند از صراحت و باز بودن، سهم کردن، پذیرش، حمایت، تمایلات همکاری‌جویانه، روابط مبتنی بر اعتماد، اعتماد کردن و قابل اعتماد بودن (گلابی و همکاران، ۱۳۹۰: ۴۶-۴۷). از دیدگاه زتومکا^۶، زتومکا^۶، برای گردآوری اعتماد نسبت به از بین بردنش، زمان بیش‌تری نیاز است، معمولاً بی‌اعتمادی بسیار سریع‌تر متولد می‌شود، در حالی که برای خلاص شدن از بی‌اعتمادی نیاز به مدت زمان طولانی، گاهی اوقات به اندازه یک نسل دارد

¹ passive trust

² Active trust

³ Inglehart

⁴ Putnam

⁵ Johnson

⁶ Sztompka

⁷ Fukuyama

⁸ Coleman

می‌کند که یک تجزیه و تحلیل کاملاً عقلانی از اعتماد نه تنها بر انتظارات منطقی اعتماد کننده بستگی دارد، بلکه همچنین به تعهدات و نظم فرد مورد اعتماد نیز بستگی دارد. رایج‌ترین روش برای این که کسی بتواند از تعهدات کسانی که دوستشان دارد یا خیرخواهشان است مطمئن شود، این است که به انگیزه‌ها ساختار دهد تا با تعهد دلخواه مطابقت کند. شما با اطمینان می‌توانید به من اعتماد کنید اگر بدانید که علاقه من، من را وادار خواهد کرد که با انتظارات شما زندگی کنم. اعتماد شما، انتظار شما است که منافع من، منافع شما را لحاظ کند (هاردین، ۲۰۰۲: ۶).

با توجه به قضیه موفقیت هومنز^۳، اگر کنشی خاص، مثلاً اعتماد به دیگری، سودمندتر باشد و فرد در قبال اعتمادش پاداش بیشتری را دریافت کند، میزان اعتمادش به او افزایش خواهد یافت (اسکیدمور، ۱۳۷۲: ۹۳). وی بر اساس قضیه پرخاشگری-تأیید، بیان می‌کند که اگر کنشگر، اعتماد متقابل مورد انتظار را دریافت کند خوشنود خواهد شد و رفتار تأییدکننده‌ای بروز می‌دهد و یا برعکس (اسکیدمور، ۱۳۷۲: ۹۷). بلاو^۴ با تمایز قائل شدن بین مبادله اقتصادی و مبادله اجتماعی، اعتماد را تنها حاصل مبادله اجتماعی می‌داند. به نظر او در مبادله اجتماعی، شخص به دیگری لطفی می‌کند و توقع بازگشت آن را در آینده دارد، اما ماهیت دقیق آن از اول تصریح نمی‌شود. از این رو تعهدات موجود در مبادله اجتماعی، واضح و آشکار نیست و به همین علت فرد برای سرمایه‌گذاری در مبادله اجتماعی، نیازمند اعتماد است (منصوریان و قدرتی، ۱۳۹۰: ۱۹۶). او معتقد است که مبادله اجتماعی موجب اعتماد می‌شود و اعتماد پایه‌های دوستی را محکم می‌کند و در نتیجه انسجام را به وجود می‌آورد (سفیری و میرزامحمدی، ۱۳۸۵: ۱۳۳-۱۳۲). راتر (۱۹۶۷) اعتماد را به عنوان "امید ایجاد شده در یک فرد یا گروه که قول، وعده، گفته شفاهی یا کتبی دیگر افراد یا گروه‌ها می‌تواند قابل اتکا باشد"، تعریف می‌کند. وی بیان می‌کند که کنش متقابل ما با دیگران در طول زمان و مشاهدات

می‌تواند به دیگری اعتماد کند، می‌تواند تردیدهای درونی را آشکار سازد، می‌تواند کاملاً با دیگری رک و راست باشد، می‌تواند مسائل حساس را مطرح کند- و همه این‌ها را بدون ترس از سواستفاده دیگری از اعتماد او انجام دهد. (کلمن، ۱۳۷۷: ۴۷۰-۴۶۹). شخصی که عمیقاً عاشق دیگری است (یعنی منافع زیادی از این رابطه دارد) گاهی برای معشوق "هرکاری" می‌کند. برای فرد اعتماد کننده عقلانی خواهد بود که چنین کند اگر با این کار بتواند امین را وادار بکند که "به او نیاز داشته باشد، همان‌گونه که خودش به امین نیاز دارد". یعنی مجموعه‌ای از انتظارات از جانب او برای ادامه عملکرد ایجاد کند (در این حالت نه با ایجاد تعهداتی که بر عهده دیگری است، بلکه با نفع رساندن یک طرف به دیگری). موفقیت در برآوردن چنین انتظاراتی، راه جلوگیری از کناره‌گیری دیگری از این رابطه است (کلمن، ۲۷۴: ۱۳۷۷-۲۷۳). وی تأکید می‌کند که به دلیل غلبه جنبه‌های عاطفی بر رفتار همسران، داشتن دید حسابرسی و عقلانیت برای بررسی موضوع اعتماد و به خصوص اعتماد به همسر کفایت نمی‌کند. (سفیری و میرزامحمدی، ۱۳۸۵: ۱۳۳).

به نظر لومان^۱ (۱۹۷۹) اعتماد نگرشی است که نه عینی و نه ذهنی است، قابل انتقال به دیگر اشیاء و یا دیگر افرادی که اعتماد می‌کنند، نیست. این نوع نگرش یا احساس تنها تحت تأثیر ذهن افراد است. اعتماد باید آموخته شود و قسمتی از اجتماعی شدن است. اجتماعی شدن به خودی خود رخ نمی‌دهد اما دو مورد از مهم‌ترین نهادهای پشت آن، خانواده و مدرسه هستند. به گفته لومان چگونگی یادگیری اعتماد، بخشی از فرآیند اجتماعی شدن در خانواده است (جالوا، ۲۰۰۳: ۱۷۸). از دیدگاه وی، اعتماد یک اصطلاح دقیق نیست، با این حال مترادفات بسیار نزدیکی دارد: تحمل، رضایت، پذیرش، اطمینان، وفاداری، آشنایی، دلبستگی، امید، انسجام یا همبستگی اجتماعی، همبسته‌های عینی هستند (لومان، ۲۰۰۲: ۶). هاردین^۲ به عقلانیت در رابطه اعتمادآمیز معتقد است و اشاره

³ Homans

⁴ Blau

¹ Luhmann

² Hardin

با توجه به متغیر اعتماد به همسر و ابعاد آن، چارچوب نظری تحقیق، بر اساس نظریه گیدنز است. گیدنز با رویکردی تلفیقی خرد و کلان به اعتماد می‌پردازد و ریشه شکل‌گیری اعتماد را در دوران کودکی می‌داند. در سطح خرد که مدنظر است، وی در بحث از اعتماد به ارتباط ناب اشاره می‌کند. شرایطی که اعتماد را امکان‌پذیر می‌سازد به بهترین وجه در حوزه‌های نسبتاً محدود فعالیت‌ها و تعاملات اجتماعی از قبیل خانواده یا گروه‌های خویشاوندان وجود دارد (اوفه^۳، ۱۳۸۴: ۲۲۴). از دیدگاه وی، ارتباط ناب منوط به اعتماد متقابل است و اعتماد متقابل نیز به نوبه خود رابطه‌ای نزدیک با صمیمیت و خودمانی شدن دارد. پیوندهای شخصی در ارتباط ناب، مستلزم انواع جدیدی از اعتماد است که از خلال صمیمیت و خودمانی شدن با دیگری پدید می‌آید. نکته مهم در ساختن و پرداختن اعتماد در رابطه‌های ناب آن است که هر کس باید شخصیت دیگری را به رسمیت بشناسد و قادر باشد به طور منظم بعضی پاسخ‌های مطلوب را از گفتار و رفتار او استنباط کند. مهم این است که شخص بتواند بر آنچه طرف مقابل او می‌گوید یا انجام می‌دهد تکیه کند (گیدنز، ۱۳۸۷: ۱۴۱-۱۴۰). ارتباط ناب به طور کلی دو نفره است ولی آثار و عوارض و تأثیرات آن لزوماً به حوزه زندگی آن دو نفر محدود نمی‌ماند. این روابط قبل از هر چیز در قلمرو ازدواج و رفاقت و دوستی‌های بسیار نزدیک پدید می‌آیند. وی، روابط بین پدر و مادر و فرزندان و همچنین روابط خویشاوندی گسترده‌تر را در حوزه خاص رابطه ناب نمی‌داند ولی بیان می‌کند که هر کدام از آنها تحت تأثیر عوامل دیگری هم قرار می‌گیرند که می‌توانند مولد رابطه ناب باشند (گیدنز، ۱۳۸۷: ۱۴۳-۱۴۲).

ارتباط‌های ناب مانند بسیاری دیگر از وجوه دوره اخیر تجدد، شمشیری دو لبه است. این گونه ارتباط‌ها فرصتی برای توسعه اعتماد مبتنی بر تعهدهای ارادی و تشدید صمیمیت‌های خصوصی فراهم می‌آورد. این نوع اعتمادها هر کجا که نسبتاً صادقانه و ایمنی‌بخش باشند، از نظر روانی

ما از رفتار آنها، این که مردم به طور کلی چگونه به دیگران اعتماد می‌کنند را شکل می‌دهد (آدامز^۱، ۲۰۰۸: ۳) و معتقد است که اعتماد، این امکان را به مردم می‌دهد که انتظار داشته باشند ارتباطات فردی دیگران بتواند قابل اتکا باشد (مستیانو^۲، ۲۰۱۲: ۱). چلبی نیز معتقد است که وابستگی عاطفی، تولید تعهد می‌کند و تعهد و علاقه اجتماعی نیز عناصر تشکیل‌دهنده هنجارهای اجتماعی و اخلاقی هستند. پس بدون نوعی وابستگی عاطفی، نظم هنجاری غیرممکن است. پایه نظم هنجاری جامعه عاطفه است. احساس تعلق به جمع، اعتماد اجتماعی متقابل، دوستی متقابل که از مشخصه‌های اصلی همبستگی اجتماعی‌اند، همگی ریشه در وابستگی عاطفی دارند. وابستگی عاطفی یکی از ارکان اصلی اجتماع است (چلبی، ۱۳۷۵: ۱۰۱) و تعاملات اظهاری یا روابط گرم در انتقال عواطف نقش کلیدی دارند زیرا حامل عواطف، صمیمیت، دوستی و اعتماد هستند (باستانی و همکاران، ۱۳۸۶: ۴۸). وی (۱۳۷۵: ۱۶۳) در اشاره به آثار کارکردی روابط گفتمانی اخلاقی که به تعمیم اعتماد متقابل کمک می‌کند، بیان می‌کند که با افزایش این روابط گفتمانی، میزان تعهد، تقویت می‌شود و در ضمن بسط این روابط در جامعه کمک می‌نماید تا تعهد، تعمیم‌پذیر شود و در سایر حوزه‌های کنش نفوذ نماید. این افزایش می‌تواند تا حدی موجب افزایش تعلق عاطفی به جمع شود و این تعلق تعمیم‌پذیر گردد. به عبارت دیگر این روابط، کمک می‌نماید تا وابستگی عاطفی کنشگران اجتماعی نسبت به جامعه و اعضای آن تعمیم‌یافته و انتزاعی شود. افزایش مزبور همچنین می‌تواند به تعمیم اعتماد متقابل و روابط آن به سایر حوزه‌های کنش اجتماعی کمک نماید.

چارچوب نظری

در پژوهش حاضر، اعتماد در سطح خرد و بین فردی مدنظر است. در بخش ادبیات نظری تحقیق به نظریاتی که در زمینه اعتماد بین شخصی و در خانواده مطرح شده بودند اشاره شد.

¹ Adams

² Mosteanu

³ Offe

در بین ۲۱۰ زن و ۱۹۰ مرد متأهل که حداقل یک سال از مدت ازدواج آن‌ها گذشته بود، توزیع گردید. شیوه نمونه‌گیری نیز تصادفی طبقه‌ای است و بر این اساس که شهر اصفهان دارای ۱۴ منطقه است، متناسب با جمعیت خانوارهایی که در هر منطقه سکونت دارند، اقدام به جمع‌آوری اطلاعات شد. جهت تعیین روایی پرسشنامه از روایی صوری و نظر استادان جامعه‌شناسی و برای پایایی نیز از تکنیک آلفای کرونباخ استفاده گردید. جدول ۱ نشان‌دهنده میزان پایایی گویه‌های متغیر "اعتماد به عدم خیانت همسر" و متغیر "رضایت زناشویی" است. متغیر اعتماد به عدم خیانت همسر دارای ۲۴ گویه است. همان‌گونه که در جدول نشان داده شده است، میزان پایایی متغیرها در حد قابل قبول است. پایایی بسیار بالای متغیر اعتماد به عدم خیانت همسر ($\text{Alpha}=0/94$) بیانگر تناسب گویه‌های طرح شده برای سنجش این متغیر است. نمرات این گویه‌ها از ۱ (بسیار مخالف) تا ۵ (بسیار موافق) امتداد داشته‌اند. متغیر "رضایت زناشویی" از ۲۵ گویه تشکیل شده است. پایایی بسیار بالای این متغیر ($\text{Alpha}=0/979$) نشان می‌دهد که گویه‌های طرح شده برای سنجش این متغیر، مناسب است.

جدول ۱- میزان پایایی متغیر اعتماد به عدم خیانت همسر، ابعاد آن و

متغیر رضایت زناشویی		
مقدار ضریب	تعداد گویه	ابعاد متغیر
۰/۹۴	۲۴	اعتماد به عدم خیانت همسر
۰/۹۷	۲۵	رضایت زناشویی

متغیر شیوه آشنایی به صورت باز مطرح گردید و سپس پاسخ‌های به دست آمده در دو گروه "سنتی" و "مدرن" کدگذاری گردید. متغیر زیبایی همسر دارای دو گویه "زیبا" و "معمولی" مطرح گردید که بر اساس نظر پاسخگو نسبت به همسر خود است.

ثبات‌آفرین خواهند بود. زیرا در عمل ارتباط‌های محکمی بین اعتماد اساسی و افراد مورد اطمینان به وجود می‌آورند. در غیاب هرگونه ضابطه اخلاقی برونی، رابطه ناب به عنوان منبع امنیت در لحظه‌های سرنوشت‌ساز و دیگر وضعیت‌های اضطراری زندگی، آسیب‌پذیر خواهد بود (گیدنز، ۱۳۸۷: ۲۶۲). لذا از نظر گیدنز، کشف عامدانه بودن عملی مانند کشف رابطه همسر با دیگری ممکن است هشداردهنده و بنابراین تشنج‌آفرین باشد و طبعاً جوئی از بی‌اعتمادی در زندگی فرد پدید می‌آید و نوعی سوءظن دائمی، فضای ذهنی و فکری او را متشنج می‌سازد. این احساس هم درمورد آینده‌نگری فرد مصداق دارد و هم درباره تفهیم رویدادهای جاری (گیدنز، ۱۳۸۷: ۱۸۴).

به طور کلی گیدنز رضایت عاطفی، اهمیت نفس رابطه و تداوم آن، تعهد و صمیمیت، خودمآنی بودن که بخش برجسته‌ای از هویت بازتابی شخص است، اعتماد متقابل، استحکام هویت شخصی از خلال فرآیندهای خودکامی در ارتباط با بازاندیشی مدرنیته، صداقت و منبع احساس امنیت را از خصوصیات رابطه ناب در دوران مدرن می‌داند.

فرضیات تحقیق

بین رضایت زناشویی و اعتماد به همسر رابطه وجود دارد.

بین فاصله سنی و اعتماد به همسر رابطه وجود دارد.

بین مدت ازدواج و اعتماد به همسر رابطه وجود دارد.

بین شیوه آشنایی و اعتماد به همسر رابطه وجود دارد.

بین زیبایی همسر و اعتماد به همسر رابطه وجود دارد.

روش تحقیق

روش تحقیق این پژوهش، پیمایشی است و اطلاعات مورد نیاز با ابزار پرسشنامه جمع‌آوری شد. جامعه آماری در این پژوهش، شهر اصفهان است که بر اساس سرشماری سال ۱۳۸۵، دارای ۴۳۸۸۵۲ خانوار است. حجم نمونه، ۴۰۰ نفر است که به‌وسیله فرمول کوکران به دست آمد و پرسشنامه‌ها

تحقیق از گویه‌های مرتبط با اعتماد به عدم خیانت همسر استفاده شده است.

جدول ۲ نشان‌دهنده گویه‌های متغیر "اعتماد به عدم خیانت همسر" است. این متغیر برگرفته از مقیاسی خود ساخته توسط سفیری و میرزامحمدی (۱۳۸۳) است که در این

جدول ۲- گویه‌های سازنده متغیر اعتماد به عدم خیانت همسر

میانگین از ۵	گویه‌های متغیر وابسته
۳/۸۲	وقتی همسرم قولی را به من می‌دهد، شک ندارم که آن را انجام می‌دهد.
۴/۲۹	همسرم نسبت به من وفادار است.
۲/۹۱	همسرم گاهی قول‌هایی می‌دهد که آن‌ها را فراموش می‌کند.
۲/۱۳	من نمی‌توانم به قول همسرم اعتماد کنم.
۲/۳۳	همسرم به انتظارات من توجه نمی‌کند.
۱/۹۳	همسرم نسبت به زندگی احساس تعهد نمی‌کند.
۴/۲۵	احساس آرامش می‌کنم چون می‌دانم همسرم به من وفادار است.
۱/۹۷	گاهی نگران این هستم که نکند همسرم به من خیانت کند.
۴/۲۹	وقتی که در یک مجلس مختلط شرکت می‌کنیم، از جانب همسرم خیالم راحت است چون او اجازه نمی‌دهد که کسی وارد حریمش شود.
۲/۵۷	دوست ندارم همسرم در مجالس مختلط شرکت کند، چون ممکن است در این جور جاها باب ارتباط‌های ناجور برای او باز شود.
۱/۶۴	وقتی که همسرم دیر به خانه می‌آید، نگران می‌شوم که نکند پای زن/مرد دیگری (جنس مخالف) در میان باشد.
۴/۲۱	همسرم به من آرامش می‌دهد.
۱/۷	بیش از آن‌که از جانب همسرم خیالم آسوده باشد، نگران ارتباط او با جنس مخالف هستم.
۱/۹۹	احساس می‌کنم که دیگرانی هستند که همسر را جادو می‌کنند و می‌خواهند او را از من بربایند.
۱/۵۵	شب‌ها کابوس رابطه همسرم را با دیگری در خواب می‌بینم.
۱/۹۱	هروقت از میهمانی برمیگردیم، با همسرم دعوایمان می‌شود.
۲/۶۴	زن یا مرد بودن دوستان همسرم برایم مهم نیست.
۴/۰۷	همسرم همیشه حد خود را می‌داند و از آن خارج نمی‌شود، حتی اگر دوستان او جنس مخالف باشند.
۱/۶۸	وقتی که همسرم بیرون از خانه است، نگران ارتباط او با جنس مخالف هستم.
۴/۳۲	اگر لازم باشد چند روز به مسافرت بروم و همسرم در خانه تنها باشد، اطمینان دارم که با زن/مرد دیگری ارتباط برقرار نخواهد کرد.
۴/۳۲	اگر همسرم به طور ناگهانی برای انجام کاری چند روز به مسافرت برود، نگران ارتباط او با جنس مخالف نمی‌شوم.
۱/۷	هر وقت که با همسرم به بیرون می‌رویم، حواس او به این طرف و آن طرف است و توجهش به جنس مخالف است.
۴/۲۷	همسرم هرگز به من خیانت نمی‌کند.
۱/۵۹	اگر تلفن زنگ بزند، گوشی را بردارم و کسی حرف نزند، احتمال می‌دهم جنس مخالفی بوده که با همسرم کار پنهانی داشته است.

جدول ۳ نشان‌دهنده گویه‌های متغیر "رضایت زناشویی" است (ثنایی، ۱۳۸۷: ۴۷-۴۶).
 است. این متغیر بر اساس "شاخص رضایت زناشویی" هوسن

جدول ۳- گویه‌های سازنده متغیر رضایت زناشویی

میانگین از ۵	گویه‌های متغیر رضایت زناشویی
۴/۲۱	همسر من به قدر کافی محبت دارد.
۱/۹۲	همسر من با من بد رفتار می‌کند.
۴/۱۷	همسر من واقعاً به من اهمیت می‌دهد.
۲/۳۱	اگر قرار باشد دوباره انتخاب کنم، احساس می‌کنم همسر فعلی‌ام را انتخاب نمی‌کنم.
۴/۲۷	احساس می‌کنم می‌توانم به همسر اعتماد کنم.
۱/۶۸	احساس می‌کنم رابطه ما در حال از هم پاشیدن است.
۲/۱۶	همسر من واقعاً مرا درک نمی‌کند.
۴/۱۴	احساس می‌کنم ما رابطه خوبی داریم.
۴/۱	من و همسر من رابطه خوب و خوشی داریم.
۲/۰۰۳	زندگی مشترک ما کسالت‌آور است.
۴/۰۳	من و همسر من در کنار هم بسیار خوش هستیم.
۱/۷۷	همسر من به من اطمینان ندارد.
۴/۰۶	رابطه ما بسیار صمیمانه است.
۱/۹۶	احساس می‌کنم نمی‌توانم به همسر خود تکیه کنم.
۲/۱۸	احساس می‌کنم ما علائق مشترک چندانی نداریم.
۳/۸۵	ما اختلاف نظرهای و بگو مگوهای خودمان را خیلی خوب به انجام می‌رسانیم.
۴	من و همسر من مسائل مالی را خیلی خوب حل و فصل می‌کنیم.
۱/۹۹	احساس می‌کنم هرگز نمی‌باید با همسر ازدواج می‌کردم.
۴/۰۳	من و همسر من خیلی خوب با هم کنار می‌آییم.
۴/۰۴	رابطه ما خیلی با ثبات است.
۴/۰۷	همسر من مایه آرامش واقعی من است.
۱/۷۵	احساس می‌کنم همسر من دیگر برایم اهمیت ندارد.
۴/۰۸	احساس می‌کنم آینده رابطه ما درخشان است.
۱/۸۸	احساس می‌کنم رابطه ما، تهی و بی‌محتوا است.
۲/۱	احساس می‌کنم هیچ هیجانی در رابطه ما نیست.

تعریف مفاهیم

اعتماد

مور، اعتماد را قابلیت شخص برای اتکا یا اطمینان به صداقت یا صحت اقوال یا رفتار دیگری می‌داند (نیازی و فرشادفر، ۱۳۹۰: ۱۵۲). اعتماد به عدم خیانت همسر، از نوع اعتماد بین شخصی

است. اعتماد بین شخصی، شکلی از اعتماد است که در روابط چهره به چهره خود را نشان می‌دهد و حوزه‌ای از تعاملات میان عشاق، دوستان، همکاران و همچنین اعتماد میان رئیس و کارمند، سرپرست و کارگر، معلم و شاگرد، فروشنده و مشتری، پزشک و بیمار، راننده و مسافر و... را دربر می‌گیرد.

جدول ۴- توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب زیبایی همسر

زیبایی همسر	تعداد	درصد
زیبا	۱۷۴	۴۳/۵
معمولی	۲۲۶	۵۶/۵
جمع	۴۰۰	۱۰۰

جدول ۵ نشان‌دهنده توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب شیوه آشنایی با همسر است. از کل پاسخگویان، ۸۲/۸ درصد به طور سنتی و ۱۷/۲ درصد به شیوه مدرن با یکدیگر آشنا شده‌اند.

جدول ۵- توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب شیوه آشنایی با همسر

شیوه آشنایی	تعداد	درصد
مدرن	۶۹	۱۷/۲
سنتی	۳۳۱	۸۲/۸
جمع	۴۰۰	۱۰۰

جدول ۶، نشان‌دهنده میزان اعتماد پاسخگویان به عدم خیانت همسر بر حسب جنس است. همان‌گونه که در جدول قابل مشاهده است، اعتماد زنان به عدم خیانت همسرشان به ترتیب، در حد زیاد (۵۱)، متوسط (۲۲/۹)، بسیار زیاد (۱۷/۱) کم (۷/۶) و بسیار کم (۱/۴) است. مردان نیز به ترتیب، در حد زیاد (۶۰)، بسیار زیاد (۲۹/۵)، متوسط (۱۰) و کم (۰/۵) به عدم خیانت همسر خود اعتماد داشته‌اند، داده‌های جدول حاکی از اعتماد بیشتر مردان به عدم خیانت همسرشان است، زیرا تنها ۰/۵ درصد آنان اعتماد کمی به همسر خود داشته‌اند در حالی که این میزان برای زنان، ۹ درصد است. در حالت کلی نیز میزان اعتماد به ترتیب، در حد زیاد (۵۵/۲)، بسیار زیاد (۲۳)، متوسط (۱۶/۸) کم (۴/۲) و بسیار کم (۰/۸) است.

جدول ۶- میزان اعتماد پاسخگویان به عدم خیانت همسر برحسب جنس

اعتماد به عدم خیانت همسر	بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد	جنس
زن	۱/۴	۷/۶	۲۲/۹	۵۱	۱۷/۱	
مرد	۰	۰/۵	۱۰	۶۰	۲۹/۵	
کل	۰/۸	۴/۲	۱۶/۸	۵۵/۲	۲۳	

به لحاظ نظری در یک رابطه مبتنی بر اعتماد حداقل دو نفر حضور دارند: اعتمادکننده و فرد مورد اعتماد (امین). زتومکا معتقد است که حضور همزمان کنشگران در یک مکان، ویژگی‌های منحصر بفردی را پدید می‌آورد که اعتماد بین شخصی را از دیگر شکل‌های اعتماد متمایز می‌کند (شارع‌پور و همکاران، ۱۳۹۰: ۶۶).

رضایت زناشویی

رضایت اشاره به ارزیابی فرد از رابطه و شریک درگیر در رابطه دارد (شوم و همکاران، ۱۹۸۶؛ به نقل از مری فیلد، ۲۰۰۹: ۴۵). رضایت زناشویی می‌تواند انعکاسی از میزان شادی افراد از روابط زناشویی و یا ترکیبی از خشنودی بواسطه بسیاری از عوامل مختص رابطه زناشویی باشد. می‌توان رضایت زناشویی را به عنوان موقعیتی روان‌شناختی در نظر گرفت که خودبه‌خود به وجود نمی‌آید بلکه مستلزم تلاش هر دو زوج است (حیدری و اقبال، ۱۳۹۰: ۱۱۴) هاوکینز رضایت زناشویی را احساس خشنودی، رضایت و لذت توسط زن و شوهر زمانی که همه جنبه‌های ازدواج خود را در نظر می‌گیرند تعریف می‌کند (بیرامی و همکاران، ۱۳۹۱: ۶۶).

یافته‌های تحقیق

بر اساس یافته‌های کمی در پژوهش حاضر، میانگین مدت ازدواج پاسخگویان ۱۲/۳ سال و میانگین فاصله سنی نیز ۵/۲ سال بود.

جدول ۴ بیانگر توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب وضعیت زیبایی همسر است. ۵۶/۵ درصد پاسخگویان، همسر خود را در حد معمولی می‌دانند و در مرحله دوم، ۴۳/۵ درصد، به زیبایی همسر خود اعتقاد دارند.

داشته‌اند. داده‌ها حاکی از این است که مردان به میزان بیش‌تری از همسرشان رضایت داشته‌اند زیرا تنها ۲/۱ درصد آنان رضایت کمی از همسر خود داشته‌اند درحالی‌که این میزان برای زنان ۹/۵ درصد است. درحالت کلی نیز میزان رضایت زناشویی به ترتیب، درحد زیاد (۴۴/۵)، بسیار زیاد (۳۹/۸)، متوسط (۹/۸) کم (۴) و بسیار کم (۲) است.

جدول ۷، میزان رضایت زناشویی پاسخگویان را بر حسب جنس نشان می‌دهد. با توجه به داده‌های جدول، رضایت زنان از همسرشان به ترتیب، درحد زیاد (۴۷/۶)، بسیار زیاد (۳۱)، متوسط (۱۱/۹)، کم (۵/۷) و بسیار کم (۳/۸) است. مردان نیز به ترتیب، درحد بسیار زیاد (۴۹/۵)، زیاد (۴۱/۱)، متوسط (۷/۴) و کم (۲/۱) از همسر خود رضایت

جدول ۷- میزان رضایت زناشویی پاسخگویان بر حسب جنس

رضایت زناشویی	بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد
زن	۳/۸	۵/۷	۱۱/۹	۴۷/۶	۳۱
مرد	۰	۲/۱	۷/۴	۴۱/۱	۴۹/۵
کل	۲	۴	۹/۸	۴۴/۵	۳۹/۸

مردان (۰/۶۴) نیز در حد بالا و معنادار است. ولی دو متغیر فاصله سنی و مدت ازدواج، با سطح معنی‌داری غیر قابل قبول و بیشتر از ۰/۰۵، رابطه معناداری با اعتماد به عدم خیانت به همسر ندارند. در نتیجه می‌توان گفت که با افزایش میزان رضایت زناشویی در افراد پاسخگو، اعتماد بیشتری نیز به عدم خیانت همسر خود دارند. به نظر می‌رسد که زمانی که افراد از همسر خود رضایت داشته باشند، احساس و نگاه مثبتی نیز به وی خواهند داشت و در نتیجه کمتر به وی شک خواهند کرد و اعتماد بیشتری به او و عدم خیانت او خواهند داشت.

برای بررسی فرضیات تحقیق از تکنیک‌های آمار استنباطی استفاده می‌گردد. فرضیه اول، دوم و سوم، بر وجود رابطه بین میزان رضایت زناشویی پاسخگو، فاصله سنی و مدت ازدواج با میزان اعتماد به عدم خیانت همسر اشاره دارد. با توجه به نتایج حاصل از همبستگی پیرسون که در جدول شماره ۸ قابل مشاهده است، متغیر رضایت زناشویی با سطح معنی‌داری قابل قبول (Sig=۰/۰۰۰) و میزان همبستگی کلی ۰/۷۶ با متغیر اعتماد به عدم خیانت همسر دارای رابطه معنادار قوی و مثبت است. میزان همبستگی این دو متغیر برای زنان (۰/۷۸) و

جدول ۸- میزان همبستگی متغیرهای رضایت زناشویی، فاصله سنی و مدت ازدواج با متغیر وابسته

متغیر	جنس	میزان همبستگی	سطح معنی‌داری
رضایت زناشویی	زن	۰/۷۸	۰/۰۰۰
	مرد	۰/۶۴	۰/۰۰۰
	کل	۰/۷۶	۰/۰۰۰
فاصله سنی	زن	-۰/۱۱	۰/۱۰۸
	مرد	۰/۰۵	۰/۵۳۵
	کل	-۰/۰۶	۰/۲۶۶
مدت ازدواج	زن	-۰/۰۴	۰/۶۱۳
	مرد	۰/۰۵	۰/۵۲۷
	کل	۰/۰۲	۰/۶۶۱

مدرن مانند رابطه دوستی قبل از ازدواج و پسند شوهر و چه با شیوه‌های سنتی مانند پسند خانواده و معرفی سایرین با یکدیگر آشنا شده باشند، صرف شیوه آشنایی نمی‌تواند میزان اعتماد به عدم خیانت همسر را تبیین و پیش‌بینی کند. لذا برحسب شیوه آشنایی زوج با یکدیگر نمی‌توان بر میزان اعتماد آنان به عدم خیانت همسرشان قضاوت نمود.

جدول ۹ نشان‌دهنده رابطه بین متغیر شیوه آشنایی با میزان اعتماد به عدم خیانت همسر است که در فرضیه چهارم مطرح شده است. سطح معنی‌داری کلی بالاتر از ۰/۰۵ در هر سه حالت (زن، مرد و کل)، نشان می‌دهد که بین شیوه آشنایی و میزان اعتماد به عدم خیانت همسر رابطه معناداری وجود ندارد. بنابراین می‌توان گفت که افراد پاسخگو چه با شیوه‌های

جدول ۹- تفاوت میانگین اعتماد به عدم خیانت همسر بر اساس شیوه آشنایی

جنس	شیوه آشنایی	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	مقدار T	سطح معنی‌داری
زن	سنتی	۱۷۱	۱۴۴/۴	۲۳/۳	۰/۳۸۱	۰/۷۰۴
	مدرن	۳۹	۱۴۲/۷	۳۳/۵		
مرد	سنتی	۱۶۰	۱۵۵/۱	۱۷/۱	۱/۷۴۹	۰/۸۲
	مدرن	۳۰	۱۶۱/۱	۱۷/۷		
کل	سنتی	۳۳۱	۱۴۸/۷	۲۱/۴	۰/۹۸۴	۰/۳۲۶
	مدرن	۶۹	۱۵۱/۷	۲۸/۷		

اعتماد همسر خود می‌باشد. به نظر می‌رسد که با توجه به این که سنجش زیبایی افراد، نسبی است، افراد پاسخگو معیارهای متفاوتی را برای بیان زیبایی همسر خود در نظر دارند و با در نظر گرفتن هر دو زیبایی صورت و سیرت در مورد وی قضاوت نموده‌اند. به عبارت دیگر هرچه افراد بیشتر از باطن، خلیقات و رفتار همسر خود رضایت داشته باشند، بیشتر نیز او را زیبا می‌بینند.

جدول ۱۰ نیز نشان‌دهنده آزمون تحلیل واریانس اعتماد به عدم خیانت همسر بر اساس زیبایی همسر برحسب جنس می‌باشد که در فرضیه پنجم اشاره شده است. با توجه به سطح معنی‌داری ($Sig=0/000$) می‌توان بر درستی این رابطه تأکید نمود. داده‌های جدول و میانگین‌ها حاکی از آن است که برای زنان و مردان و به صورت کلی، به ترتیب افراد زیبا و سپس معمولی مورد اعتماد همسر خود بوده‌اند. نکته قابل اشاره و مشترک در هر سه حالت این است که همسر زیبا بیشتر مورد

جدول ۱۰- آزمون تحلیل واریانس اعتماد به عدم خیانت همسر بر اساس زیبایی همسر

جنس	زیبایی همسر	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	مقدار T	سطح معنی‌داری
زن	زیبا	۶۹	۱۵۲/۱	۲۱/۶	۳/۷۳	۰/۰۰۰
	معمولی	۱۴۱	۱۳۸/۶	۲۶/۰۴		
مرد	زیبا	۱۰۵	۱۶۰/۶	۱۶/۵	۸/۵۹۷	۰/۰۰۰
	معمولی	۸۵	۱۵۰/۵	۱۶/۷		
کل	زیبا	۱۷۴	۱۷۹	۲۱/۳	۴/۱۶	۰/۰۰۰
	معمولی	۲۲۶	۱۶۲/۵	۲۷		

در مرحله اول، متغیر رضایت زناشویی با همبستگی ۰/۶۱ به تنهایی ۴۱ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کند. در مرحله دوم نیز متغیر همسر زیبا وارد مدل شده است و با همبستگی ۰/۱۲، میزان تبیین را به ۴۲ درصد افزایش می‌دهد. داده‌های جدول زیر حاکی از آن است که از بین متغیرهای مطرح شده در این پژوهش، متغیر رضایت زناشویی، بیشترین و قوی‌ترین رابطه را با اعتماد به عدم خیانت همسر دارد و نشان‌دهنده اهمیت بالای این متغیر در رابطه زوجین است.

جدول ۱۱، با استفاده از مدل رگرسیون چند متغیره و به روش گام به گام به تبیین متغیر وابسته می‌پردازد. برای زنان، متغیر رضایت زناشویی به تنهایی ۵۷ درصد از تغییرات میزان اعتماد به عدم خیانت همسر را تبیین می‌کند. میزان همبستگی آن نیز ۰/۷۳ است. در مرحله دوم نیز همسر زیبا با همبستگی ۰/۰۸، میزان تبیین را به ۵۸ درصد افزایش می‌دهد. برای مردان، در مرحله اول متغیر رضایت زناشویی وارد مدل شده است و به تنهایی ۶۱ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کند. میزان همبستگی آن نیز ۰/۷۸ است. در حالت کلی نیز

جدول ۱۱- متغیرهای وارد شده در رگرسیون برای تبیین متغیر وابسته بر حسب جنس

جنس	مراحل ورود متغیرها	متغیرهای وارد مدل شده	R	R ²	مقدار F	سطح معنی‌داری F	بتا	T	سطح معنی‌داری T
زن	اول	رضایت زناشویی	۰/۷۵۷	۰/۵۷	۵۳۵/۵	۰/۰۰۰	۰/۷۳	۲۱/۴	۰/۰۰۰
	دوم	همسر زیبا	۰/۷۶	۰/۵۸	۲۷۴/۱	۰/۰۰۰	۰/۰۸	۲/۴	۰/۰۱۵
مرد	اول	رضایت زناشویی	۰/۷۸	۰/۶۱	۳۳۲/۹	۰/۰۰۰	۰/۷۸	۱۸/۲	۰/۰۰۰
	اول	رضایت زناشویی	۰/۶۴	۰/۴۱	۱۳۱/۳	۰/۰۰۰	۰/۶۱	۱۰/۵	۰/۰۰۰
کل	دوم	همسر زیبا	۰/۶۵	۰/۴۲	۶۹/۱	۰/۰۰۰	۰/۱۲	۲/۱	۰/۰۳۷

خلاصه و نتیجه

درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کند. در حالت کلی نیز به ترتیب دو متغیر رضایت زناشویی و همسر زیبا، ۴۱ و ۴۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند. متغیر مشترکی که در هر سه حالت تبیین‌کننده میزان اعتماد به عدم خیانت همسر است، متغیر رضایت زناشویی است که به عنوان اولین متغیر وارد مدل‌ها شده است و نشان‌دهنده ارتباط بالای آن با اعتماد به عدم خیانت همسر است. شاید بتوان گفت که رضایت از همسر باعث می‌شود که فرد احساس و نگاه مثبتی به وی داشته باشد و کمتر به او شک کند و بی‌اعتماد باشد. گیدنز، رضایت عاطفی را از خصوصیات رابطه ناب می‌داند و آن را در ارتباط با اعتماد متقابل مطرح می‌کند (سفیری و میرزامحمدی، ۱۳۸۵: ۱۳۴). متغیر زیبایی همسر که در دو مدل زنان و کلی نیز وارد شده است، دارای رابطه معنادار و مثبتی

مطالعه حاضر، عوامل مرتبط با میزان اعتماد به عدم خیانت همسر را در بین زنان و مردان متأهل شهر اصفهان (که حداقل یک سال از ازدواج آن‌ها گذشته بود) مورد بررسی قرار داده است. چارچوب نظری تحقیق، بر اساس نظریه گیدنز بود. بر اساس چارچوب نظری، پنج فرضیه ارائه شد. روش اجرای پژوهش، پیمایش بود و داده‌ها با ابزار پرسشنامه جمع‌آوری شد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که متغیرهای زیبایی همسر و رضایت زناشویی، رابطه معنادار و مثبتی با اعتماد به عدم خیانت همسر دارند. در نتایج حاصل از مدل رگرسیونی نیز برای زنان، به ترتیب متغیر رضایت زناشویی و سپس متغیر همسر زیبا ۵۷ و ۵۸ درصد متغیر اعتماد به عدم خیانت همسر را تبیین می‌کنند. برای مردان، متغیر رضایت زناشویی، ۶۱

نهاد در دوران کنونی بسیار واضح است. کاهش تعهد اخلاقی زوجین و افزایش بی‌اعتمادی در خانواده که اکنون گسترش بیشتری یافته است، پیامدهای مخربی در سطوح فردی و اجتماعی در بر دارد که نیاز به توجه، بررسی و کارگشایی ریشه‌ای و مؤثر را می‌طلبد.

محدودیت‌های پژوهش

هر پژوهشی متناسب با نحوه اجرای آن، با مشکلات و محدودیت‌هایی همراه است که محقق با آن روبرو می‌شود. پژوهش حاضر نیز دارای محدودیت‌ها و مشکلاتی بود که به آن اشاره می‌گردد:

در زمینه موضوع مورد مطالعه (اعتماد به عدم خیانت همسر)، نظریه جامعه‌شناختی جامعی که کاملاً متناسب با بستر اجتماعی و فرهنگی جامعه ایران باشد، وجود ندارد و محقق را در استفاده و انتخاب یک چارچوب نظری دقیق دچار مشکل می‌کرد.

طیف استاندارد و جامعی برای سنجش متغیر وابسته (اعتماد به عدم خیانت همسر) وجود ندارد.

از آن‌جا که اکثر مردان متأهل، شاغل هستند، دستیابی به نمونه مردان در منازل بسیار مشکل بود.

با توجه به حساس بودن موضوع تحقیق و این که بسیاری از سؤالات متغیر وابسته مربوط به خیانت به همسر و ارتباط با جنس مخالف بود، عده‌ای از پاسخگویان، چنین سؤالاتی را مربوط به افراد شکاک و بدبین می‌دانستند و در پاسخگویی به آن‌ها محقق را دچار مشکل می‌کردند.

جمع‌آوری اطلاعات در منازل با توجه به ثابت بودن محل سکونت و قابلیت شناسایی آن باعث می‌شود که پاسخگویان با نگرانی از شناخته شدن و عدم اعتماد به پرسشگر، از دادن اطلاعات دقیق به خصوص در زمینه مسائل عقیدتی، خصوصی و خانوادگی امتناع بورزند. لذا جمع‌آوری

با اعتماد به عدم خیانت همسر است. به نظر می‌رسد که پاسخگویان زیبایی ظاهری و باطنی همسر را با یکدیگر در نظر داشته‌اند. بنابراین زمانی که فرد از همسر خود و عملکرد او در زندگی رضایت دارد، نگاه مثبتی نیز به وی خواهد داشت و او را زیباتر می‌بیند، درحالی که عدم رضایت از همسر و عملکرد وی در زندگی زناشویی می‌تواند با نگاه فرد به همسرش در ارتباط باشد و از نگاه مثبت او به همسرش بکاهد (رابطه بین زیبایی و رضایت زناشویی توسط آزمون T سنجیده شده است. میانگین رضایت زناشویی برای همسران زیبا ۱۰۸/۷، با انحراف معیار ۱۵/۱ و برای همسران معمولی ۹۷ با انحراف معیار ۲۰/۱ است. مقدار T نیز ۶/۴ و سطح معنی‌داری برابر با ۰/۰۰۰ است). در نتیجه با توجه به رابطه مثبت و معنادار این دو متغیر با متغیر وابسته شاید بتوان گفت که متغیر رضایت زناشویی علاوه بر این که به صورت مجزا با متغیر وابسته در ارتباط است، با تأثیر بر افزایش نگاه مثبت به همسر، با زیبا دانستن همسر نیز در ارتباط است. سایر متغیرها از جمله فاصله سنی زوج، مدت ازدواج و شیوه آشنایی، رابطه معناداری با اعتماد به عدم خیانت همسر نداشته‌اند.

گیدنز معتقد است که دنیای مدرن علاوه بر تفاوت‌های مختلفی که با دنیای سنتی دارد، تغییر شکل صمیمیت را نیز به دنبال دارد و به روابط ناب نزدیک شده است که نیازمند اعتماد متقابل و تعهد به نفس رابطه است. غیراخلاقی شدن روابط صمیمانه نه تنها می‌تواند به غیراخلاقی شدن روابط فیما بین به معنای عام بینجامد بلکه سامان اخلاقی کلان را نیز ممکن است غیراخلاقی کند (ریترز، ۱۳۷۴: ۷۳۰). اکنون در جامعه ایران نیز نهاد خانواده در حال تغییر از شکل گسترده به هسته‌ای است، روابط خانوادگی نیز محدودتر و خصوصی‌تر شده است و با توجه به تغییرات فرهنگی گسترده در سطح جامعه و نهاد خانواده، لزوم توجه به تغییرات این

اطلاعات در منازل، مشکل‌تر از مکان‌های عمومی است.

رجب‌زاده، محمد مقدس و علی هاشمی گیلانی،
تهران: نشر سفیر.

پیشنهادات

فرهنگ‌سازی در جامعه توسط نهادهای مربوطه جهت تحکیم روابط خانوادگی.

انصاری، ا. و عطایی، پ. (۱۳۹۱). «بررسی میزان و تأثیر سرمایه اجتماعی ساکنان مجتمع‌های مسکونی»، فصلنامه مطالعات شهری، سال ۲، ش ۳، ص ۱۱۳-۱۳۸.

در کنار تحقیقات کمی لازم است که در تحقیقات کیفی، تجربه زیسته افرادی که مورد خیانت همسر خود بوده‌اند مطالعه کردند تا به طور دقیق‌تری بتوان به نتایج و راهکارهای مفیدی دست یافت.

اوفه، ک. (۱۳۸۴). «چگونه می‌توان به شهروندان اعتماد داشت»، مجموعه مقالات سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، تهران: نشر شیرازه.

کلیه عوامل مرتبط با اعتماد و بی‌اعتمادی به همسر و نتایج به دست آمده در همه مطالعات کمی و کیفی داخلی باید مورد تجزیه و تحلیل کارشناسان مربوطه قرار گیرد و در مراکز مربوطه مشاوره‌های خانواده و برنامه‌های آموزشی صدا و سیما، راهکارهای مفیدی را در اختیار افراد قرار دهند.

اینگلهارت، ر. (۱۳۷۳). تحول فرهنگی در جامعه صنعتی پیشرفته، ترجمه: مریم وتر، تهران: نشر کویر.
باستانی، س.؛ کمالی، ا. و صالحی هیکویی، م. (۱۳۸۷). «سرمایه اجتماعی شبکه و اعتماد متقابل بین شخصی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، سال ۱۶، ش ۶۱، ص ۸۱-۴۱.

منابع

آزاد ارمکی، ت. و کمالی، ا. (۱۳۸۳). «اعتماد، اجتماع و جنسیت؛ بررسی تطبیقی اعتماد متقابل در بین دو جنس»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ۵، ش ۲، ص ۱۳۲-۱۰۰.

برناردز، ج. (۱۳۸۸). درآمدی به مطالعات خانواده، ترجمه: حسین قاضیان، تهران: نشر نی.
تونکیس، ف. (۱۳۸۷). اعتماد و سرمایه اجتماعی، ترجمه: محمدتقی دلفروز، تهران: پژوهشکده مطالعات اجتماعی و فرهنگی.

آقاجانی، ع. (۱۳۹۰). بررسی جامعه‌شناختی میزان اعتماد بین‌شخصی و عوامل مؤثر بر آن در میان دانشجویان دانشگاه اصفهان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.

چلبی، م. (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی نظم، تشریح و تحلیل نظم نظری اجتماعی، تهران: نشر نی.
حیدری، م.؛ مظاهری، م. و پوراعتماد، ح. (۱۳۸۴). «رابطه باورهای ارتباطی مثبت نسبت به همسر»، فصلنامه خانواده‌پژوهی، سال ۱، ش ۲، ص ۱۳۱-۱۲۱.

ادیبی سده، م.؛ کتابی، م.؛ قاسمی، و. و صادقی ده چشمه، س. (۱۳۸۸). «سنجش اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در مراکز شهرستان‌های چهارمحال و بختیاری»، جامعه‌شناسی کاربردی، سال ۲۱، ش ۴ (۴۰)، ص ۹۷-۱۲۲.

حیدری، ع. و اقبال، ف. (۱۳۹۰). «رابطه دشواری در تنظیم هیجانی، سبک‌های دلبستگی و صمیمیت با رضایت زناشویی در زوجین صنایع فولاد شهر اهواز»، یافته‌های نو در روان‌شناسی، ش ۵، صص ۱۳۲-۱۱۳.

اسکیدمور، و. (۱۳۷۲). تفکر نظری در جامعه‌شناسی، ترجمه: علی محمد حاضری، سعید سبزیان، احمد

دانیلو، آ. (۱۳۸۳). جامعه‌شناسی روابط جنسی، ترجمه: حسن

- پویان، تهران: انتشارات توس.
- ریتزر، ج. (۱۳۷۴). *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: نشر علمی.
- زارعی، س.؛ فرحبخش، اسماعیلی، ک. و اسماعیلی، م. (۱۳۹۰). «تعیین سهم خود متمایزسازی، اعتماد، شرم و گناه در پیش‌بینی سازگاری زناشویی»، *دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*، سال ۱۲، ش ۳ (۴۵)، ص ۵۱-۶۳.
- ساروخانی، ب. (۱۳۷۹). *جامعه‌شناسی خانواده*، تهران: انتشارات سروش.
- سفیری، خ. و میرزا محمدی، م. (۱۳۸۵). «اعتماد به همسر: مطالعه موردی شهر تهران»، *مطالعات اجتماعی ایران*، دوره ۱، ش ۱، ص ۱۵۷-۱۲۵.
- قدرتی، ح. (۱۳۹۰). *بررسی تعیین‌کننده‌های بین‌نسلی و درون‌نسلی اعتماد اجتماعی، مطالعه موردی شهرهای مشهد و سبزوار*، پایان‌نامه دکتری، شیراز، دانشگاه شیراز.
- کلمن، ج. (۱۳۷۷). *بنیادهای نظریه اجتماعی*، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- گیدنز، آ. (۱۳۸۰). *پیامدهای مدرنیته*، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز.
- _____. (۱۳۸۷). *تجدد و تشخیص (جامعه و هویت شخصی در عصر جدید)*، ترجمه: ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
- گلابی، ف.؛ محسنی تبریزی، ع. و معیدفر، س. (۱۳۹۰). «بررسی اعتماد اجتماعی با نگاه نسلی به جامعه»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال ۲۲، ش ۱ (۴۱)، ص ۷۰-۴۱.
- منصوریان، م. و قدرتی، ح. (۱۳۸۸). «اعتماد اجتماعی و تعیین‌کننده‌های آن: رهیافت نهادمحور یا رهیافت
- جامعه‌محور؟ (مورد مطالعه: شهر سبزوار)»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال ۲۰، ش ۲ (۳۴)، ص ۲۱۵-۱۸۹.
- میربها، م. و محسنی، س. (۱۳۹۰). «مقایسه رضایت خانوادگی و سلامت روان زنان شاغل در دو بخش پروازی و غیرپروازی شرکت هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران (هما)»، *فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، سال ۳، ش ۹، ص ۲۰۹-۲۲۵.
- میرزا محمدی، م. (۱۳۸۳). *بررسی عوامل مؤثر بر اعتماد به همسر در بین زنان (با تأکید بر عوامل درون‌خانواده)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه الزهرا.
- نیکویی، م. و صیف، س. (۱۳۸۴). «بررسی رابطه دینداری با رضایتمندی زناشویی»، *تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره*، ش ۱۳، ص ۷۹-۶۱.
- وثوقی، م. و آرام، ه. (۱۳۸۸). «بررسی اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در شهر خلخال (استان اردبیل)»، *پژوهش‌نامه علوم اجتماعی*، سال ۳، ش ۳، صص ۱۵۳-۱۳۳.
- Adams, J. E. (2008) M.A Thesis, "Development and Validation of the Corporate Distrust Scale". Bowling Green State University, Ohio, p. 1-58.
- Doherty, W. J and R. G, Ryder. (1979) "Locus of Control, Interpersonal Trust, and Assertive Behavior Among Newlyweds". *Journal of Personality and Social Psychology*. Vol. 37, No. 12, p. 2212-2220.
- Giddens, A. (2005) "Modernity and Self-identity Revisited", ESRC Identities and Social Action Programme Launch. Royal Society of Arts. London. P 1-8. (http://www.open.ac.uk/socialsciences/identities/launch_transcripts.pdf).
- Giddens, A. (2011) "Keeping the Family Firm". *New Statesman & Society*, Vol. 8, Issue. 374, <http://web.ebscohost.com/ehost/detail?vid=14&hid=25&sid=d424e5e2-4295-4437-905f-db992dcb11db%40sessionmgr15&bdata=Jn>

East European Studies.

Luhmann, N. (2002) "Why We Need a History of Trust". *Reviews in History*, No. 287, p. 1-14.

Mosteanu, O. (2012) "*Explicit and Implicit Measures of Interpersonal Trust*". Babes-Bolyai University the Society for Personality and Social Psychology Conference.

Sztompka, P. (1997) "*Trust, Distrust and the Paradox of Democracy*". Berlin: Papers des Wissenschaftszentrum.

(<http://www.hdl.handle.net/10419/50255>).

Williams, M. L. (2012) "*Romantic Love Communication: Examination of Equity and Effects on Relational, Sexual, and Communication Satisfaction*". Ohio, Kent State University

NpdGU9ZWhvc3QtbGl2ZQ%3d%3d#db=aph&AN=9706060043

Givertz, M.D. (2002) PH.D Thesis in "*Commitment in Close Romantic Relationships: Correlates and Processes Associated with Commitment Phenomena*", Arizona, The University of Arizona,

Hardin, R. (2002) *Trust and Trustworthiness*. New York: Russell Sage Foundation.

Harris, V. Skogrand, L. and D. Hatch, (2008) "Role of Friendship, Trust, and Love in Strong Latino Marriages". *Marriage & Family Review*, Vol. 44, No. 4, p. 455-488.

Jalava, J. (2003) "From Norms to Trust, The Luhmannian Connections between Trust and System". *European Journal of Social Theory*. Vol. 6, No. 2, p 173° 190.

Luhmann, N. Chichester, S. and J. Wiley, (1979) "*Trust and Power*". School of Slavonic &

